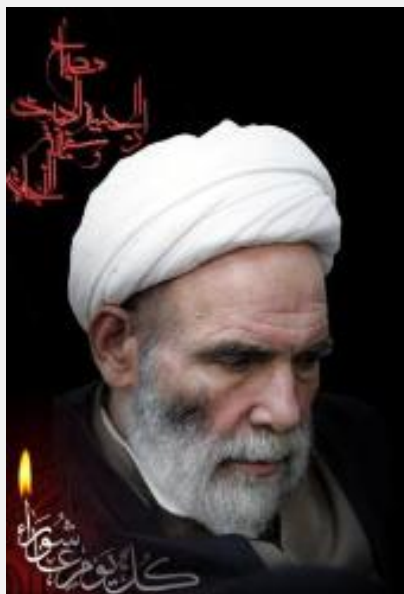


جایگاه و ویژگی ماه شعبان

روی عن الحسین بن علی (علیهما السلام) قال: الاستدراجُ مِنَ اللَّهِ سُخَّانُهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسَبِّحَ عَلَيْهِ التَّعَمُّ وَ يَسْتَلْبِهُ الشُّكْرَ.



بسم الله الرحمن الرحيم

روی عن الحسین بن علی (علیهما السلام) قال: الاستدراجُ مِنَ اللَّهِ سُخَّانُهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسَبِّحَ عَلَيْهِ التَّعَمُّ وَ يَسْتَلْبِهُ الشُّكْرَ. این روایت از امام حسین (صلوات الله علیه) نقل شده است که حضرت فرمودند: استدراج از ناحیه خداوند نسبت به بنده‌اش، به این معنا است که خدا «# نعمتی را به سمت بنده می‌فرستد و سرازیر می‌کند و از آن طرف، «# شکر را از او می‌گیرد.

معنای «# استدراج

روایات متعددی را در ارتباط با «# رابطه میان حوادث و گرفتاری‌ها با معصیت و گناه خوانده‌ام که اینجا، جای مطرح کردن آن‌ها نیست؛ ولی در این روایت بحثی راجع به استدراج داریم که یکی از دلائل گرفتاری‌های انسان را دربر دارد. امام حسین در این روایت، استدراج را معنا می‌کنند که گاهی خدا به بنده‌اش نعمت می‌دهد، ولی از آن طرف بنده، شکر نعمت را به جا نمی‌آورد؛ این به خاطر آن است که خداوند حالت شکرگذاری را از بنده سلب کرده است.

چرا «# استدراج؟!

اینجا سؤال پیش می‌آید که چرا خدا چنین می‌کند و حال شکر را از بنده‌اش می‌گیرد؟ او که نعمت را به بنده می‌دهد، توفیق شکر را هم به او بدهد! یعنی چه که او نعمت را بدهد ولی توفیق شکر را از او بگیرد؟ چرا خدا توفیق شکر را از بنده‌اش می‌گیرد تا او نتواند شکر نعمت را به جا آورد؟ اصلاً چطور می‌شود که خدا با بنده‌اش چنین می‌کند؟

ناشکری انواع نعمت‌ها

حالا من خواهم گفت، چه طور می‌شود که استدراج پیش می‌آید. البته بنده اینجا نمی‌توانم زیاد روایت بخوانم و به نقل یک روایت بسنده می‌کنم. در روایتی از امام صادق (صلوات الله علیه) آمده است که گاهی خدا به بنده‌اش نعمتی را می‌دهد، او هم آن نعمت را در راه معصیت خرج می‌کند و با آن گناه می‌کند.

منظور از نعمت هم در این روایت فقط پول نیست؛ چشم، گوش، دست، پا و تمام قوای انسانی، نعمت‌هایی است که خدا به انسان داده است. نعمت، فقط پول و اسکناس نیست! چشم‌هایتان را باز کنید و نعمت‌هایی را که خدا داده است، بشناسید! نعمت، متصله و منفصله دارد که تمام سرتاپای انسان و آن چیزهایی که متعلق به او است را در بر می‌گیرد، این یعنی اینکه «# ای انسان! همه وجودت و متعلقات وجودت، نعمت‌های خداوند است». اگر انسان نعمتی را در راه حرام مصرف کند و گناه کند، خدا به او مهلت می‌دهد تا استغفار کرده و از این گناه‌ها توبه نماید!

استدراج راهی به سوی «# کفر

این چیزهایی که من می‌گویم، متن روایت امام صادق است. چون خیلی فرصت ندارم، همه روایت را نمی‌خوانم. آیه قرآن هم این مطالب را دارد و می‌فرماید: «# إِيْمَا تُمْلِيْ لَهُمْ لِيَزْدَادُوْا إِثْمًا خدا مهلت می‌دهد تا ببیند آیا تو استغفار می‌کنی یا نه! اگر استغفار کردی مسأله‌ای پیش نمی‌آید، اما اگر استغفار نکردی، خدا نعمتش را تجدید می‌کند؛ یعنی نعمت را دوباره به تو می‌دهد. اینجا دیگر تو توفیق شکرگذاری نداری و در حقیقت، خدا این توفیقی را از تو سلب کرده است. این بی‌حساب نیست که خدا به بنده‌ای از بندگان

نعمت می‌دهد و در عین حال، توفیق شکرگذاری را از او سلب می‌کند.

وقتی بنده گناه کرد و به جای عقاب، نعمت‌هایش زیاد شد، کم‌کم با خودش فکر می‌کند که چرا این همه گناه می‌کند ولی هیچ اتفاقی نمی‌افتد؟! نکند خبری نیست؟! اصلاً شاید حلال و حرامی، نعوذ بالله در کار نیست! از اینجا است که انسان به وادی کفر کشیده می‌شود.

چرا وضع کفار خوب است؟!

خود شما هم دارید می‌بینید که کفار وضع مادی‌شان خوب است؛ این به خاطر همین مسأله استدراج است. اگر کسی بگوید: کفار با توجه به اینکه این همه گناه و فجور می‌کنند، چرا باز هم وضعشان خوب است؟ جوابش این است که خداوند آن‌ها را مبتلا به استدراج کرده و توفیق شکرگزاری را از آنها گرفته است. این به ضرر آن‌ها است.

ریشه گرفتاری‌های مسلمین

مسلمان‌ها هم از این جهت مانند کفار هستند که اگر نعمت به آن‌ها برسد و آن را در راه غضب الهی مصرف کنند، خدا برای توبه به آن‌ها مهلت می‌دهد، اگر توبه کردند که هیچ، وگرنه توفیق شکرگذاری از آن‌ها سلب شده و دچار استدراج می‌شوند. گرفتاری‌های ما هم از همین‌جا نشأت می‌گیرد که ما نعمت‌ها را، نعوذ بالله در راه گناه صرف می‌کنیم و بعد مبتلا به انواع گرفتاری‌ها می‌شویم تا بیدار شویم و استغفار کنیم. این گرفتاری‌ها نیز، پس‌گردنی‌هایی است که خدا برای باز شدن چشم بنده‌اش می‌زند که بنده بگوید: خدایا غلط کردم که نعمت را در بیراهه خرج کردم!

حال اگر نعمت را در مسیر غضب الهی خرج کردیم و وقتی هم که خدا برای بیدار شدنمان ما را به گرفتاری‌ها مبتلا کرد، باز هم چشم‌هایمان باز نشد و توبه و استغفار نکردیم، اینجا است که دچار استدراج شده و نعوذ بالله به وادی کفر کشیده می‌شویم! من صریح می‌گویم تا جای هیچ بحثی باقی نماند.

جایگاه و ویژگی ماه شعبان

171#؛ استغفار کردن» کمک به «؛رحمة للعالمین» است!

اما این مباحث را گفتم که یک تذکر بدهم. ماه، ماه شعبان است. ماه، ماه استغفار است. ماه، ماه پیغمبر اکرم است. ما در روایات داریم که حضرت فرمود: «؛أَلَا إِنَّ شَعْبَانَ شَهْرِي فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَاتَنِي عَلَى شَهْرِي» ماه، ماه من است؛ خداوند کسی را که در این ماه به من کمک کند، رحمت کند! این یعنی چه؟

پیغمبر چون رحمة للعالمین است، کارش این است که برای همه ما رحمت باشد و همه ما را مورد رحمت قرار دهد؛ ماه هم، ماه پیغمبر است؛ حال او می‌خواهد بندگان را شستشو داده و وارد دریای رحمت کند، پس از ما می‌خواهد که ما با استغفار و توبه، به او کمک کنیم تا او ما را شستشو دهد.

ماه شستشوی نبوی

پس این ماه، ماه شستشو است؛ ماه شستشوی نبوی است. ماهی است که پیغمبر امتش را از گناهان شستشو می‌دهد و پیش خدا شفاعتشان را می‌کند. بیایید هرچه که، نعوذ بالله، کفران نعمت کردیم و بعد از آن هم استغفار نکردیم، الآن چشمانمان را باز کنیم و استغفار کنیم.

تناسب «؛آداب ماه شعبان» با «؛خصوصیات صاحب ماه»

لذا شما ببینید، در اعمالی که به عنوان آداب این ماه وارد شده است، اول روزه آمده است، دوم یک استغفار ذکر شده است و سوم هم باز استغفار وارد شده است. به مفاتیح الجنان مراجعه کنید! برای این ماه دو استغفار ذکر شده است؛ یکی اینکه انسان هر روز هفتاد بار بگوید: «؛أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ» از خدا استغفار می‌کنم و از او طلب توبه دارم؛ و دیگری اینکه هر روز هفتاد بار بگوید: «؛أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» از خدایی که جز او خدایی نیست، مهربان و بخشنده است، زنده و پاینده است، طلب مغفرت می‌کنم و توبه می‌نمایم. اینها به خاطر آن است که این ماه، ماه تطهیر نبوی برای امت خویش است و پیغمبر می‌خواهد امتش را تطهیر کند. این کار با استغفار امت، بر پیغمبر آسان می‌شود.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی